

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ نومبر ۲۰۲۰

مناسبات "گلبدین" و "طالب"!

۳

چهارشنبه- ۱۴ عقرب ۱۳۹۹ - کابل: همان طور که در قسمت قبلی این نگاشته، وعده نموده بودم، در این قسمت کوشش به عمل خواهد آمد تا اندکی به دلایل اکراه دیروز "طالب" و تمایل امروزش نسبت به "گلبدین" نظر بیندازیم:

الف: دلایل اکراه طالب از پذیرش "گلبدین":

* - با در نظر داشت این که هم "گلبدین" و هم "طالب" برده های بی وجدانی بیش نیستند که رسن هدایت آنها در جنگالهای خونین استخبارات نظامی پاکستان (آی. اس. آی.) گره خورده است و هر تصمیمی در مورد آنها را همان نهاد استخباراتی می گیرد، و خود نقشی در تصمیم گیری نداشته، صرف مسئولیت و بدنامی عملی آن را متقبل می شوند، باید از آغاز گفت تمام دلایلی که "طالب" را از "گلبدین" دور می داشت، همانهایی بودند که استخبارات نظامی پاکستان تشخیص داده بود، از جمله:

*- نفرت بین قشر ملا و شخصی "گلبدین" که از دید بسیاری از ملا ها "گلبدین" علی رغم ادعا ها و مسلمان نمائی هایش، "خلق-پرچی" و کافر می باشد، مسأله ای نبود که پاکستان بخواهد آن را حل نماید، بلکه در همه حال جهت کنترل هر دو جانب تلاش می ورزید تا آن نفرت و کینه را به چنان تضاد آشتی ناپذیری تبدیل نماید، که حین ضرورت بتواند از آن حد اکثر استفاده را ببرد.

*- جنایاتی که باند "گلبدین" در طول حیات ننگینش انجام داده بود و بر مبنای همان جنایات، شخص "گلبدین" به آماج نفرت مردم افغانستان به خصوص شهروندان کابل مبدل شده بود، امری نبود که طالب بخواهد و یا بتواند به سهولت آن را نادیده بگیرد و به گفته مردم خود را به لحاف بیمار بپچاند.

*- طالب علت وجودی اش را ختم جنگ و برادر کشی بین باند های "گلبدین" و "ربانی- مسعود" اعلام داشته بود، منطقاً نمی توانست "گلبدین" را به آغوش باز بپذیرد، زیرا در چنان صورتی، خودش بدون آن که خواسته باشد و یا نقشی را ایفاء نموده باشد، به مثابه یک طرف جنگ، بار گناهان "گلبدین" را نیز می بایست بر دوشش حمل می نمود.

*- با آن که تمام اعمال و کردار "گلبدین" از طرف استخبارات نظامی پاکستان کنترل می شد، مگر تجربه نشان داده بود که وی نمی تواند انسان قابل اعتمادی باشد. یعنی استخبارات نظامی پاکستان نیز این واقعیت را می دانست، که

"گلبدين" در بين شناگران سياسى افغانستان، يك تن از ماهران كسب بوده، در يك چشم به هم زدن مى تواند به ده ها جهت شنا نمايد، از همين رو براى اتحاد با طالب كه تا آن زمان به پختگى كامل نرسيده بودند و "گلبدين" مى توانست آنها را فريب دهد، خطر آفرين به شمار مى رفت.

ب- دلايل نزديكى امروز بين آنها:

دلایلی که امروز به استخبارات نظامی پاکستان امکان می دهد تا به طالب اجازه نزديكى با "گلبدين" را صادر نمايد، قرار آتی است:

* - هر چند در جريان دو ونيم دهه اخير "گلبدين" كار مثبتى انجام نداده، تا ذهنيت مردم نسبت به وي تغيير يابد، مگر بساط جنائيت و تعداد جنايتكار و وطنفروش در افغانستان چنان فزوني يافته، كه "گلبدين" با تمام شقاوت و قساوتش، "يكى از هزاران" به شمار مى رود.

* - از "گلبدين" ديروز كه نيروى جنگى و نظامى داشت، كاريكاتورى بيش نمانده، به جز خودش و اعضاى نزديك خانواده اش ديگر كسى را در پهلوهايش ندارد تا به وسيله آنها بتواند عليه زعامت "طالب" موضعگيرى نمايد.

* - "گلبدين" به مثابه يكى از سمبول هاى "جهاديست"، مى تواند با نزديكى و پيوندش با "طالب" به علاوه آن كه "نام كلان مگر زشت" خودش را در خدمت "طالب" قرار دهد، تعدادى از جهادى هاى دودل و مذبذب ديگر را نيز به دنبال خودش بكشاند.

* - پاکستان در ارزيابى هايش بدين نتيجه رسيده است كه جهت رساندن "طالب" به قدرت مى بايد بقيه نوكرانش را صف نموده، همه را در ركاب و در خدمت "طالب" از جلو امپرياليسم امريكا رژه ببرد.
هموطنان گرامى!

آرزومنديهاى "طالب" و استخبارات نظامى پاكستان هر چه كه باشد، تجربه ثابت نموده كه "گلبدين" به محض يافتن يك پوست گاو جاى، دعوای مالكييت تمام زمين را مطرح نموده است. از همين رو با جرأت مى توان حكم نمود كه به همان اندازه كه احتمال پيوند "گلبدين" و "طالب" وجود دارد، به همان اندازه جنگ و جدال آينده بين آنها نيز از احتمال بيرون نيست.

ما اين را بايد بدانيم كه مرتجعيان از هر قماشى كه باشند، در هر چيزى كه با هم اختلاف داشته باشند، مطمئناً در يك نكته با هم هميشه اتفاق نظر دارند و آنهم كشتار بيدريغ خلقهاى كشور است.

مبارزه عليه امپرياليسم و ارتجاع، جزءلايتجزاى مبارزه عليه دولت دست نشانده مى باشد!

سرکها ما را مى طلبند!